



## در صدای باد!

مدتی است اکبر بهرمانی از بازگو کردن مطالبات اربابان حکومت جمکران در وقوفیه‌های جمعه محروم مانده، و تنور لشکرکشی‌های خیابانی هم کساد شده. از اینرو برای فراهم آوردن زمینه تجمع «مردم» در خیابان و تحریک افکار عمومی می‌باید نمایش جدیدی آغاز شود: «پخش نظرات گوناگون» از سیمای کریه جمکران، ایراد وقوفیه توسط حاج اکبر و برپائی تظاهرات مخالفان و موافقان در راه تداوم لات‌بازی و عربده‌جوئی در خیابان‌ها. بله، آشوب و هیاهو و قانون‌شکنی یا همان «حکومت مردم» در خیابان تنها راه سرکوب واقعی ملت ایران است! و این است همان «دمکراسی»، ویراست برتری طلبان دو سوی آتلانتیک برای ایرانیان. از نظر غربی‌ها «ایرانی» انسان نیست

و حق ندارد از یک حاکمیت انسانی و دمکراتیک برخوردار شود. همانطور که در مطلب دیروز نوشتیم، در ایران می‌باید پوپولیسیم و عوامگرایی حاکم باشد تا «اصول» و «حقوق جهان‌شمول» حاکمیت ایالات متحد تأمین شود.

با رعایت «اصول» ویلیام برنز، «حقوق بشر جمکران» هم برای «مردم» تأمین خواهد شد. فردا و فرداهای دیگر اگر شانس بیآوریم، اکبر بهرمانی مطالبات اربابان حکومت «مستقل» اسلامی از ملت ایران را در وقوفیه جمعه ۲۲ آبانماه ۱۳۸۸ مطرح می‌فرمایند. «دمکراسی» از این بهتر می‌خواستید؟ محدوده دمکراسی که آمریکا و شرکاء برای ایرانیان قائل‌اند از توحش آخوندهای بادستار و بی‌دستار فراتر نخواهد رفت. البته اگر ملت خوش‌شانسی نباشیم، و حاج اکبر برای مان نغمه خوش وقوفیه سر ندهد، سازمان ناتو همین مطالبات را از زبان یکی دیگر از سگ‌های هار خود به اطلاع امت شهیدپرور و «مردم» شجاع و به قول مستر برنز «باشهامت» می‌رساند. آنچه در طیف حاکمیت جمکران فراوان است، سگ‌هار استعمار.

ولی اکبر بهرمانی در میان نوکران دست به سینه غرب جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که ایشان قادرند از زبان خمینی دجال هم مطالبات ارباب را بیان فرمایند. بر خلاف نیکولا سرکوزی که فراموشکار است، حاج اکبر تمام سخنان و نصایح و بادگلوهای امام راحل را طی یک‌صدسال گذشته به خاطر دارند. در نتیجه دستگاه باراک اوباما برای حفظ «اصول» خود قصد دارد اکبر بهرمانی را نه در جایگاه رهبر «طاعون سبز» که در جایگاه «مدافع مردم» به ملت ایران حقه کند، تا بساط لشکرکشی‌های خیابانی با شرکت «مردم» همچنان ادامه داشته باشد و ویلیام برنز بتواند دفترودستک پنتاگون را در سواحل خزر افتتاح فرماید. برای تحقق این امر خداپسندانه لازم است سیمای جذام‌زده جمکران برنامه «تحریک افکار عمومی» و «تخریب انسان» را دوباره همچون دوران رقابت‌های «انتخاباتی» از سر گیرد.

نووستی، مورخ ۲۱ آبانماه سالجاری، به نقل از «تهران امروز» خبر مهمی منتشر کرده. گویا تعدادی از «نمایندگان سابق» مجلس فرمایشی جمکران به دفتر اکبر بهرمانی مراجعه کرده، خواهان اجرای پیشنهادهای وی در آخرین نمازجماعت پس از افتتاحات جمکران شده‌اند. اینان پس از ملاقات کذا گفته‌اند اگر ۴ پیشنهاد بهرمانی برآورده شود، حاج اکبر در مراسم حماقت‌پرور نمازجمعه شرکت خواهند کرد. حال باید ببینیم پیشنهادهای بهرمانی چه بود؟ آزادی زندانیان تژیینی، «دلجوئی» از دستاربندان دلگیر از افتتاحات، «دلجوئی» از آسیب‌دیدگان پساافتتاحات و از همه مهم‌تر «طرح نظرات گوناگون» توسط سیمای جذام‌زده جمکران. نظرات گوناگون در حکومت توحش چیست؟ توحش‌های گوناگون! همچنانکه موسوی جلاد نیز در آخرین مصاحبه گوساله‌پسند خود، موافقت خمینی دجال با ایجاد تشکل استحماری «روحانیون مبارز» را دلیل استقبال «امام» از ایجاد احزاب و تشکل‌های سیاسی در کشور جا زده بود!

بله اگر طی این ۴ ماه دکان حکومت خیابانی و مخالف‌نمایان‌اش در جنبش طاعون سبز کساد شده اصل کلی در قاموس فاشیست‌های مدافع «حقوق بشر نسبی»، یعنی همان باز



تولید هرج و مرج و بی‌نظمی و آشوب‌های دوران صدارت مصدق را ایرانیان می‌باید به عنوان تجلی «دمکراسی» بپذیرند! البته اینبار با حفظ مواضع ضداسرائیلی. در غیراینصورت منافع تفنگ‌فروش‌های غرب خدشه‌دار خواهد شد و نمی‌توانند مسابقات تسلیحاتی را در جهان اسلام ادامه دهند. لازم است اسرائیل و جهان اسلام در تقابل با یکدیگر قرار گیرند و یک میلیارد مسلمان پیوسته دو میلیون یهودی را به تهاجم نظامی تهدید کنند تا از اینراه پنتاگون بتواند همزمان با چپاول نفت منطقه، ارز حاصل از چپاول را نیز در برابر اسقاطی‌های ارتش آمریکا به جیب بزند. این است «اصول» گاوچران‌ها که ویلیام برنز در «مؤسسه خاورمیانه» در واشنگتن به آن اشاره کرده بود.

برای تحقق چنین اصول مقدسی است که محافل غرب لات و چاقوکش و اوباش را به عنوان «نخبگان» مخالف حکومت اسلامی برگزیده و آنان را جایزه‌باران می‌کنند. رسانه‌ها و «روشنفکران‌شان» نیز در این مسیر دست در دست محافل اوباش‌پرور گذارده‌اند. نمایش سیرک پنتاگون در برابر سازمان رسوای ملل را که فراموش نکرده‌ایم. نوآم چامسکی، گل سرسبد روشنفکران منتقد سیاست‌های آمریکا در مراسم اوباش اسلام‌فروش جمکران شخصاً حضور یافته و عکس یادگاری هم گرفتند. پس وقتی می‌گوئیم ملت ایران در برابر استعمار غرب و خادمان‌اش در حکومت اسلامی تنه‌است، درست می‌گوئیم. هیچ ملت و دولتی مدافع منافع ملی ما ایرانیان نبوده، نیست و نخواهد بود. هدف آمریکا از ابراز عشق به حکومت اسلامی تجزیه ایران و جنگ‌افروزی است.

همچنانکه در وبلاگ «بشر و خزر» گفتیم، سازمان ناتو خواهان حضور نظامی در دریای خزر است و بدون تجزیه ایران نیز نمی‌تواند به چنین اهدافی دست یابد. به همین دلیل است که در پاکستان جنگ داخلی به راه افتاده. در

میانمدت این جنگ می‌تواند به تجزیه همزمان ایران و پاکستان و ایجاد کشور «مستقل بلوچستان» نیز منجر شود. تا چند روز دیگر، سازمان «دوستان آمریکائی بلوچستان» نخستین کنفرانس بین‌المللی بلوچستان را در واشنگتن بر پا خواهد کرد. وبلاگ «سرباز کوچک»، مورخ ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ در مورد صحنه‌گردانان این نشست «بشردوستانه» و مبارزان راه «آزادی» بلوچستان از «اشغال» ایران و پاکستان توضیحات مفصل آورده. ما هم به صورت مختصر و مفید می‌گوئیم، ایالات متحد با توسل به حقوق بشرفروشان و لات و چاقوکش‌های شیفته «آزادی» جنایت، در تاریخ ۲۱ و ۲۲ نوامبر سالجاری «کنفرانس بین‌المللی بلوچستان» را برگزار خواهد کرد. به عبارت دیگر برنامه تجزیه ایران که بارها به آن اشاره کرده‌ایم، «توهم توطئه» نیست، یک «طرح» اعلام شده از جانب واشنگتن است.

باری، شخصیت‌های «آزادیخواه» مدافع فاشیسم اسلامی در نشست کذا حضور خواهند یافت، پس بهتر است مدافعان جمکرانی «حقوق بشر نسبی» دم‌جبنانی برای ارباب را متوقف کنند و بر طبل محاکمه سگ‌های هار استعمار در دادگاه لاهه و دیگر بیدادگاه‌های غرب نکوبند. اگر قرار است مسئولان کشتار و شکنجه غیرنظامیان در ایران محاکمه



شوند، دادگاه لاهه و دیگر دادگاه‌های «مدافع» حقوق بشر باید محاکمه دولت‌مردان و سیاستمداران غرب را هم در دستور کار خود قرار دهند. همچنین حقوق‌دانان شریف فرنگ‌نشین که خواهان ممانعت از ورود مقامات جنایتکار جمکران به کشورهای غرب شده‌اند می‌توانند توضیح دهند چرا مسافرت‌های مکرر محمدخاتمی جنایتکار به فرانسه را نادیده گرفته‌اند؟! یا چرا علیه او باش‌صادراتی جمکران به غرب نظیر مهاجرانی و شرکاء هیچ شکایت‌نامه‌ای تنظیم نمی‌کنند؟ مهاجرانی در جنایات این حکومت سهمی نداشته؟ این او‌باش‌الله همان کسی نیست که از فتوی قتل سلمان رشدی توسط خمینی دجال نیز حمایت به عمل آورده بود؟ نکند سوابق درخشان فعله فاشیسم را فراموش کرده‌اید؟ اگر شما مصلحت دیده‌اید که به بیماری فراموشی دچار شوید، ما فراموش نکرده‌ایم و فراموش هم نخواهیم کرد که محمدخاتمی‌ها و مهاجرانی‌ها شریک جنایات این حکومت‌اند. مشکل ما، برخلاف شما شخص احمدی‌نژاد یا علی خامنه‌ای نیست. ما با کل این حکومت انسان‌ستیز مخالف‌ایم و سوابق درخشان مقامات و نخبگان خیانتکارش را در پس پرده «سکوت» یا «جنجال» و هیاهوی ابله‌فریب پنهان نمی‌کنیم.

حال که موضوع سکوت و جنجال ابله فریب مطرح شد بهتر است نگاهی داشته باشیم به شایعه حضور نیکولا سرکوزی در مراسم تخریب دیوار برلن در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۸۹. همچنانکه گفتیم، آلن ژوپه، نخست‌وزیر اسبق فرانسه در وبلاگ شخصی خود این «خبر موثق» را تکذیب کرده. بعد هم عنوان شد که نیکولا سرکوزی فقط یک هفته پس از مراسم کذا به برلن رفته. در نتیجه بعضی‌ها از جمله «کاترین پیگار»، مشاور مخصوص آقای سرکوزی ناچار به جمع و جور کردن اوضاع شده‌اند.

به گزارش فیگارو مورخ، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۹، کاترین پیگار می‌گوید، چرا اینهمه سروصدا به راه افتاده، اینکه مسئله مهمی نیست، هیچکس یادش نیست ۲۰ سال پیش در این شب خاص چه می‌کرده! فکر نکنید مادام «پیگار» خراب است، به هیچ عنوان! ایشان فقط دیگران را ابله پنداشته‌اند و می‌گویند، من یک تحقیق مختصر کردم و از بسیاری پرسیدم شب ۹ نوامبر ۱۹۸۹ کجا بودند، هیچکس نتوانست پاسخ مشخصی بدهد! این سخنان گوساله‌فریب چه «پیامی» دارد؟ پیام این اظهارات مضحک این است که «سقوط دیوار برلن» به عنوان یک رخداد مهم جهانی در ترداد با «روزمره» افراد قرار دارد و فراموش کردن آن از طرف یکی از مقامات رسمی دولت فرانسه بسیار عادی است! به عبارت دیگر کسی که ۲۰ سال پیش هنگام تخریب دیوار برلن در خواب بوده همچون کسانی که در حال تخریب دیوار برلن بودند امور روزمره را رفع و رجوع می‌کرده! اگر این ترداد جادویی را بپذیریم در اینصورت حق با مشاور زرنگ سرکوزی است. کسی به یاد ندارد ۲۰ سال پیش چه می‌کرده. ولی ما اگر شب کذا پای دیوار برلن می‌بودیم، مسلماً هرگز این رخداد را فراموش نمی‌کردیم، چرا که ما هر شب دیوار برلن را خراب نمی‌کنیم! باری، به گزارش فیگارو کاخ الیزه



نیز ادعا می‌کند، نیکولا سرکوزی در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۸۹ «پای دیوار» بوده در حالیکه شواهد خلاف این امر را به اثبات می‌رساند. پس نیکولا سرکوزی و ماجرای دیوار برلن را رها کرده، بپردازیم به جنجال و پروپاگاندا یهودستیزی که در لوموند مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۹ آغاز شده.

ماجرای کذا در شهر هامبورگ می‌گذرد، به عبارت دیگر از آلمان خارج نمی‌شویم چرا که همچون اطیش آب و هوای «مطبوع» و فاشیست پروری دارد! به گزارش لوموند، در تاریخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۹، «چپ‌گرایان افراطی» از پخش فیلم «کلود لانزمن» در یکی از سینماهای هامبورگ جلوگیری به عمل آوردند. اینان در ورودی سینما را مسدود کرده، و در حالیکه فریاد می‌زدند، «خوک‌های یهودی»، چند تماشاگر را نیز از ناحیه صورت مجروح فرمودند! پلیس آلمان هم آنشب مرده بود! باری، آورده‌اند که اکثر معترضین به فیلم کذا وابسته به یک گروه «انترناسیونالیست - ضدامپریالیست» تشریف دارند به نام «زنتروم بی. ۵»! اینان گروهی از دانشجویان طرفدار حزب چپ رادیکال را متهم به برگزاری یک مراسم «صهیونیست‌نواز» کرده‌اند. واژه «صهیونیست» را لوموند به کار برده! می‌بینیم که این شیوه برخورد همان شیوه صدای آمریکا و به طور کلی فاشیست‌ها جهت تکفیر و تخریب انسان است. اینان از طریق پیوند دادن «فعالیت‌های اجتماعی» به «باورهای» فردی، هدف مقدس خود یعنی «تخریب انسان» را عملی می‌کنند. روند این است، فیلم کلودلانزمن تماشا می‌کنید؟ پس دشمن فلسطینی‌ها و طرفدار «صهیونیست‌ها» هستید و باید از ما کتک هم بخورید. حال که با «روند مقدس» آشنا شدیم بازگردیم به ماهی گرفتن لوموند از آب گل‌آلود.

گزارشگر این روزنامه در ادامه می‌افزاید، حزب چپ رادیکال در سایت اینترنتی خود این تهاجم را محکوم کرده، ولی بجز «تاز» و چند وبلاگ، تقریباً تمامی رسانه‌های آلمان در این مورد سکوت اختیار کرده‌اند. خوشبختانه لوموند در این مورد سکوت نکرده! چرا که دمیدن در شیپور این درگیری‌های پراکنده معجزات فراوان دارد، از آنجمله است ترویج ادبیات «یهودستیز» جمکرانیان و معرفی گروه‌های چپ به عنوان طرفداران «صهیونیسم» و پروپاگاندا به نفع مشتی جانور وحشی که خود را «انترناسیونالیست» و به ویژه ضدامپریالیست هم می‌خوانند! و خلاصه ریختن آب به آسیاب کسانی که همچون خمینی و دیگر چماقداران صدر انقلاب ۱۳۵۷ اصولاً با «آزادی بیان» مخالفانند!

می‌بینیم که خط سیاسی محافل فاشیسم بین‌الملل، حمایت از حقوق مردم فلسطین را در ترادف با همان خط حکومت جمکران، یعنی سرکوب چپ، تشویق چماقداری و سرکوب آزادی بیان قرار داده. حال می‌توان به اهمیت پروپاگاندا برای سرکوب «آزادی بیان» پی برد. آزادی بیان، تهدید مستقیم خشونت و جنگ‌طلبی است. و اگر بازار خشونت تعطیل شود، نان جنگ‌فروشان غرب به ویژه در منطقه آجر خواهد شد. به همین دلیل است که رسانه لوموند به بهانه نقل توحش و خشونت افراط‌گرایان



را تأیید کند. عامل چنین جنایتی باید در برابر عدالت این جهان و آن جهان پاسخگو باشد.»

این سخنان گهربار اوباما است که دو روز پیش از انتشار «آگهی تجارتي» رسانه گروه لاگارد ایراد شده! و خلاصه تأییدی است بر سرکوب «آزادی بیان». در جهانی که «خدا» در عرصه سیاست از چنین جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود، دیگر نه جایی برای «فرهنگ چپ» وجود دارد، نه جایی برای «انسان» و «آزادی بیان».

امروز، ۲۱ آبانماه ۱۳۸۸، از تولد «نیما یوشیج» ۱۱۴ سال می‌گذرد. نیما پایه‌گذار «شعرنو» در ادبیات ایران زمین است. آنزمان که نیما یوشیج‌ها شعر می‌سرودند، هنوز حضور فراگیر «خدا» اینچنین زندگی را بر «انسان» تلخ نکرده بود.

**آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید!**  
**یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان**  
**یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند**

چپ‌نما به «زبان خشونت» اسلام‌گرایان متوسل شده. جالب اینجاست که «هانوپلاس»، سخنگوی گروه دانشجویی طرفدار چپ رادیکال، بجای اشاره به سرکوب «آزادی بیان» عمل «زنتروم بی. ۵» را «یهود ستیزی» توصیف می‌کند! به عبارت دیگر، تهاجم به تماشاگران فیلم را «یهود ستیزی» خوانند! کسانی که چنین عمل به اصطلاح یهودستیزانه‌ای انجام می‌دهند، «انترناسیونالیست» و «ضدامپریالیست» خوانده می‌شوند. روشن‌تر بگوئیم لوموند برای گرم نگاهداشتن تنور جنگ زرگری بین اسرائیل و جهان اسلام «مسیر» را بخوبی مشخص کرده! بی‌جهت علامت تعجب گذاشتیم این رسانه متعلق به گروه «لاگارد» است و باید برای کالای تولیدی گروه کذا بازاریابی کند. بله این قماش گزارش‌های هیجان‌انگیز پخش نوعی «آگهی تجارتي» است البته برای فروش اسلحه!

تجارت اسلحه، پر درآمدترین تجارت جهان به شمار می‌رود. و اگر کاسب به مصداق آیات شریفه «حبیب‌الله» یعنی «دوست خداست»، تاجر اسلحه، به مراتب حبیب‌الله‌تر و عزیزالله‌تر باید باشد. چرا که در آمدش از کاسب‌های دیگر بیشتر است، پس حتماً بیشتر خمس و زکات می‌پردازد. و از سوی دیگر، بدون اسلحه دکان خداوند اصلاً تعطیل می‌شود، چون «جهاد» در راه «حق» بدون بمب و تفنگ امکانپذیر نیست! به همین دلیل بود که باراک اوباما در «فورت هود» در نقش دستاریند ظاهر شده، به دفاع از نوامیس اسلام و مسلمین پرداخت. به گزارش لوموند، مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۹، مستر «پرزیدنت جهان اسلام» فرمودند:

«مشکل می‌توان به منطق کژی پی برد که چنین فاجعه‌ای را ببار آورد. ولی می‌دانیم که هیچ مذهبی چنین اعمال جنایتکارانه و بزدلانهای را توجیه نمی‌کند. هیچ خدائی نمی‌تواند این اعمال



می رود نعره زنان، وین بانگ باز از دور  
می آید:  
آی آدمها!  
و صدای باد، هر دم دل گزارتر  
و در صدای باد، بانگ او رساتر  
از میان آبهای دور و نزدیک  
باز در گوش، این نداها:  
آی آدمها!

نیما یوشیج: ۲۱ آبان ماه ۱۲۷۴ - ۱۳ دی ماه ۱۳۳۸

روی این دریای تند و تیره و سنگین که  
می دانید  
آن زمان که مست هستید از خیال دست  
یابیدن به دشمن  
[...]  
آی آدمها!  
[...]  
یک نفر در آب می خواند شما را  
موج سنگین را به دست خسته می کوبد  
[...]  
آی آدمها!  
[...]  
او ز راه دور این کهنه جهان را باز  
می پاید  
می زند فریاد و امید کمک دارد  
آی آدمها که روی ساحل آرام در کار  
تماشائید!  
موج می کوبد به روی ساحل خاموش  
پخش می گردد چنان مستی بجای افتاده،  
بس مدهوش

